فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۴۸-۳۳ New Period 4, No 31, 2021, P 33-48
شماره شاپا (۷۰۱۸-۲۴۷۶) ISSN (2476-7018)

بررسی گفتمان‌های توسعهٔ اجتماعی متکی بر ارزش‌ها و فرهنگ کشور

طاهره داورزنی
کارشناسی روابط عمومی و افکار سنجی، دانشگاه علمی کاربردی انقلاب واحد ۱۱، تهران، ایران
davar1352@ yahoo.com

چکیده

از دهه‌های قبل صحبت توسعهٔ اجتماعی در محافل سیاسی و علمی ایران فراوان به گوش می رسید اما به توفیق آنچنانی نرسید. عوامل نرسیدن به توسعهٔ اجتماعی در ایران با فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی متعددی در ارتباط هستند. در این تحقیق گفتمان‌های توسعهٔ اجتماعی از منظر اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه های دولتی استان تهران بررسی شده است. روش تحقیق کیفی است که با استفاده از نظریهٔ مبنایی و از طریق مصاحبهٔ حضوری با این اساتید انجام شده است. همچنین برای انتخاب مصاحبه شوندگان از روش گلوله برفی استفاده شده است. بر همین اساس در این تحقیق ۲۰ مصاحبه به عمل آمد که در مجموع زمانی نزدیک به ۱۶ ساعت طول کشید. یافته‌های تحقیق بازگوی آن است که همهٔ مصاحبه شوندگان به اهمیت توسعهٔ اجتماعی در کشور اعتقاد دارند. آنها لازمهٔ رسیدن به توسعه را توجه جدی به حوزهٔ اجتماعی و ارتقاء سطح آگاهی و مشارکت واقعی شهروندان در فرایندها و برنامه‌های توسعه می‌دانند. از نظر مصاحبه شوندگان به دلایلی از جمله توسعه نیافتگی فرهنگی، پایین بودن سطح امنیت و اعتماد فردی و اجتماعی، فقدان جامعه مدنی، فاصلهٔ بین برنامه‌ها و واقعیت جامعه، بدبینی و شکاف بین مردم و دولت‌ها... جامعه هنوز نتوانسته است به توسعهٔ اجتماعی لازم دست پیدا کند. از منظر اطلاع‌رسان‌های این تحقیق رفع این موانع می‌تواندکشور را به توسعهٔ اجتماعی برساند در غیر این صورت جامعه در همین وضعیت فعلی درجا خواهد زد و تغییر چندانی نخواهد یافت. مهمترین شاخص‌های لازمهٔ توسعهٔ اجتماعی از نظر آنها این دو عامل بودند: (۱) بازاندیشی در زمینهٔ نقش دولت در توسعهٔ اجتماعی و (۲) تقویت جامعهٔ مدنی. اساتید معتقد بودند که دولت در کشور متولی همهٔ برنامه‌ها، پروژه‌ها و تصمیم گیری‌هاست.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه اجتماعی، اعضای هیئت علمی، گروه علوم اجتماعی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

مقدمه

در طول تاریخ و از دیرباز همیشه مفهومی‌از پیشرفت و ترقی در ذهن بشر وجود داشته است. اما مفهوم امروزی توسعه که دارای بار معنایی مشخصی می‌باشد قدمت آنچنانی ندارد. شاید اگر بخواهیم معنایی تخصصی برای‌این مفهوم پیدا کنیم باید به دوران بعد از مدرنیزاسیون اشاره کرد، که به تدریج‌این اصطلاح در راستای اهدافی خاص به کار برده شد. توسعه در ابتدا یعنی در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ در معنای توسعهٔ اقتصادی به کار برده می‌شد به تدریج وارد حوزه‌های دیگر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شد. در جریان انقلاب صنعتی و تکنولوژیکی با منسوخ شدن شیوهٔ زندگی تمدن گذشته و از بین رفتن ارزش‌ها و هنجارهای آن، این مفهوم وارد حوزهٔ علوم مختلف شد. در نتیجه مفهوم توسعه از دیگر دستاوردهای مدرنیته است که به همراه مفاهیم وابسته و نزدیک به آن از یک طرف از طریق فرایند استعمار (یعنی عامل بیرونی) و از طرف دیگر از طریق اعزام دانشجو از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای قطب اول (یعنی عامل درونی) وارد کشورهای توسعه نیافته شد. می‌توان ادعا کرد که اصطلاح توسعه فریب آمیزترین مفهومی‌است که از طرف کشورهای جهان اول به کار برده شد تا ازاین طریق بتوانند ضمن‌اینکه جای پایی محکم برای خود فراهم کنند بتوانند راه نفوذ دستاوردها و محصولات فرهنگی خود را از طریق تهاجم (اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم تعامل فرهنگی) فراهم بسازند. به این خاطر مفهوم توسعه فریب‌آمیز است که اولاً با ارزش‌ها و فرهنگ جامعه در ارتباط است، دوماً در درون آن پیچیدگی معنا و محتوا وجود دارد، سوماً به ظاهر مثبت و خواستنی است.

توسعه دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. این اصطلاح در لغت به معنای گستردن، شکوفا شدن و ترقی یافتن است. بعد از تخصصی شدن در علوم اجتماعی از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی، مطالعه و ارزیابی صاحب نظران‌این حوزه قرار گرفت. حتی در جریان‌این کاربرد گسترده، توسعه، به رشتهٔ علمی‌تخصصی تبدیل شده و به گرایش‌های مختلفی را در خود پذیرفته است.[۱] امروزه‌این مفهوم به عنوان پیشوند برای موضوعات کمتر تخصصی شده‌ای از جمله توسعهٔ صنعتی، توسعهٔ علمی‌و توسعهٔ ورزشی هم به کار می‌رود. گسترش‌این کاربردهای مختلف حاکی از اهمیت موضوع توسعه و ابعاد آن است.

مفهوم و معنای توسعه بر خلاف مفهوم رشد که دارای جنبهٔ کمی است از معنای کیفی هم برخوردار است و دارای بار ارزشی می‌باشد. در نتیجه باید دو بعد اساسی برای توسعه در نظر بگیریم؛ یکی‌اینکه توسعه مقوله‌ای ارزشی است، دیگری‌اینکه توسعه مفهومی‌چند بعدی است (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۶: ۲۴). توسعه بیشتر به معنای تغییر کیفی ارزش‌ها، هنجارها، باورها، افکار، روابط و تعاملات، ساختارها و نظام و تبدیل آن‌ها به شیوه‌ای جدید از سنخ آن‌ها متناسب با شرایط جامعه است. در اغلب نظریه‌های توسعه، توسعه به معنای گذار از جامعهٔ سنتی به جامعهٔ نوین در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله نظریهٔ تونیس که توسعه را تغییر

۱. آرتور لوئیس برای اولین بار توسعه را به رشتهٔ علمی‌و دانشگاهی تبدیل کرده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

جامعه از گمنشافت به گزلشافت می‌داند یا نظریهٔ دورکیم که توسعه را دگرگونی جامعه از حالت مکانیکی به حالت ارگانیکی می‌داند. در نتیجه مفهوم توسعه بر فرایند دگرگونی اجتماعی تأکید دارد. دگرگونی اجتماعی به معنای ایجاد تغییر در شاخص‌های زندگی، مثلاً کاهش فقر، افزایش رفاه، بهبود سطح زندگی مردم، گسترش آموزش و پرورش و توسعهٔ انسانی، افزایش برابری و عدالت، افزایش امید به زندگی، گسترش مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی، کاهش نابرابری‌ها در قدرت، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، گسترش آزادی، دسترسی به تسهیلات بهداشتی و سلامتی افراد است. این جنبه از توسعه در نظریه صاحب نظران علوم اجتماعی بر جنبهٔ خاصی از توسعه تاکید دارد که آن را معادل توسعهٔ اجتماعی در نظر می‌گیرند.

پارادایم توسعه از آغاز شکل‌گیری تاکنون گفتمان‌های متعددی در حوزه‌های مختلفی از جمله اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی، روان شناسی را در درون خود پرورانده است. همین امر باعث شد که توسعه به یک گرایش مستقل در علوم اجتماعی تبدیل شود و گفتمان‌ها، نظریه‌ها و متفکران مخصوص به خود را پیدا کند. یکی از دلایل تعدد بحث‌های توسعه‌ای در بینابینی بودن‌این رشته می‌باشد. به طورکلی گفتمان‌های مختلفی در زمینهٔ توسعه مطرح شده‌اند، هریک ازاین گفتمان‌ها به فراخور علایق، تمایلات و توانایی‌های متفکران وابسته به خود به بررسی جامعه و ارزیابی و تجزیه و تحلیل مسائل مختلف اجتماعی دست زده‌اند. هر گفتمانی برای نیل به توسعه و توسعهٔ اجتماعی شیوه‌های خاص، طرح‌ها و برنامه‌های متفاوت، راه حل‌های جداگانه و استدلالات مختلفی برای برخورد با مسائل، آسیب‌ها و تنگناهای اجتماعی ارائه داده است. هدف همهٔ گفتمان‌های توسعه این است که برای محقق نمودن توسعه و ترقی به گونه‌ای خاص جامعه را مهندسی کنند. بنابراین می‌توان خوش بین باشیم و بگوییم گفتمان‌های مطرح شده در حوزهٔ توسعه برای رفع مسائل و مشکلات به وجود آمده‌اند و این اشتراک تمام نظریه های مطرح شده است اما آن‌ها در طرح‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های تصمیم‌گیری با هم متفاوتند. بعضی از این گفتمان‌ها در واکنش به گفتمان مسلط موجود به وجود آمده‌اند زیرا به زعم آن‌ها گفتمان مسلط نتوانسته جامعه را از ورطهٔ مشکلات و مسائل نجات دهد یعنی به تعبیری از مد افتاده شده و باید مدل جایگزین برای آن را پیدا کرد، در نتیجه برای جبران نارسایی‌های گفتمان‌های قبلی، خود برای تحقق توسعه، با برنامه‌ها و طرح‌های جدید وارد حوزه نظریه‌پردازی می‌کردند. این چنین است که در دهه‌های اخیر با تنوع دیدگاه‌ها و متفکران در حوزه‌های مختلف توسعه برخورد کردیم.

روش تحقیق

شیوهٔ انجام تحقیق

از آنجایی‌که پدیده‌های اجتماعی وانسانی موضوعاتی پیچیده‌ای هستند روش‌های تحقیق در مورد این پدیده‌ها نیز متنوع و متعددند. لذا پژوهشگر با توجه به ویژگیهای خاص موضوع تحقیق لازم است تمامی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

روشها را در نظر بگیرد، جهت مثبت و منفی آن را بشناسد و سپس روش یا روش‌های مطلوب را برگزیند و آن‌ها را به کار گیرد. روش، در یک تحقیق علمی نقش اساسی دارد و ما را در نیل به حقیقت و گریز ازخطا یاری می‌دهد. دکارت روش را راهی می‌داندکه به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود. به طورکلی، در علوم اجتماعی تحقیق با استفاده از دو رویکرد اصلی انجام می‌گیرد: یکی رویکردهای کمی و دیگری رویکردهای کیفی. پژوهشگر در روش‌های کمی نسبت به روش‌های کیفی تماس چندانی با پژوهش شوندگان ندارد (بلیکی، ۳۱۳).

امروزه‌کاربست روش‌های تحقیق‌کیفی در علوم اجتماعی و رفتاری مقبولیت زیادی پیداکرده است. دلیل آن دشواریِ بررسی سوژه‌های انسانی از طریق روش‌های کمی و نتیجه‌دهی بهترکاربرد روش‌های کیفی به ویژه در زمینهٔ تحقیقات مربوط به مسائل ارزشی و اعتقادی است. از طرفی، امکان گردآوری اطلاعات در پاره‌ای از مسائل انسانی با استفاده از روش‌های کمی مقدور نیست به خصوص اگر هدف محقق از مطالعهٔ افراد، بررسی مسائل مربوط به فرهنگ، ارزش‌ها و باورها و اعتقادات آن‌ها باشد. علت این امر این است که اولاً منطقی نیست اطلاعاتی را که ماهیتاً کیفی هستند با آمار و ارقام جمع و تحلیل‌کرده و گردآوری اطلاعاتی از این دست نیاز به بررسی عمیق دارد و ثالثاً زمانی‌که بحث فرهنگ پیش می‌آید احتمال اینکه محقق با رعایت اصول روش‌های تحقیق کمی در پیش‌داوری‌های خود غرق شود و نتواند با ذهنیت جامعهٔ مورد مطالعه‌اش ارتباط برقرارکند، بسیار زیاد است. در نتیجه با توجه به این توضیحات، در این پژوهش تلاش بر این است که از روش تحقیق کیفی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کنیم. اما در این‌جا باید اشاره کنیم‌که روش کیفی انواع مختلفی را شامل می‌شود، گراندد تئوری، تحلیل گفتمان، مردم نگاری، مطالعه موردی و. . . از انواع روشهای تحقیق کیفی هستند.

«پژوهشگران کیفی پدیده‌ها و فرآیندها را در محیط طبیعی خودشان مورد بررسی قرار می‌دهند و سعی دارند تا به آن‌ها از منظری‌که مردم به آن نگاه می‌کنند معنی دهند. این نگرش به عنوان رویکرد طبیعت‌گرایانه یا تفسیری شناخته شده است. به طورکلی قلمرو پژوهش‌های کیفی دنیای تجارب افراد و واقعیتهای اجتماعی ساخته شده به دست آن‌هاست. به وسیله مصاحبه دقیق، مشاهده مشارکت کنندگان وتوصیف دقیق، پژوهش گران کیفی امیدوارند بتوانند به دیدگاه مشارکت‌کنندگان نزدیک شوند و به تجارب زیستهٔ آن‌ها دست یابند» (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴۶). در این تحقیق از بین این انواع روش‌های کیفی به روش گراندد تئوری (نظریهٔ مبنایی) عمل شد که در زیر به طور خلاصه توضیح داده شده است.

۱-۱-۱-۳ نظریهٔ مبنایی[1]

در ترجمه‌های مختلفی که از آن به عمل آمده با اصطلاحات متفاوتی ترجمه شده است مثلاً محمدی آن را نظریهٔ مبنایی (۱۳۸۷: ۲۵)، فلیک آن را نظریه‌پردازی داده‌محور (۱۳۸۷: ۲۴)، دواس آن را نظریه

1. Grounded theory

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

زمینی(۱۳۸۸: ۲۱)، سفیری آن را نظریه بازکاوی (۱۳۸۸: ۲۸۹). . . نامیده‌اند. در زیر چند تعریف از گراند تئوری در نگاه محققان مختلف برای فهم بیشتر آن ارائه می‌شود. دواس معتقد است هر وقت ما کار تحقیق خود را با مشاهده و توصیف آغاز کنیم سپس نظریه‌ای دربارهٔ مشاهدات و توصیف‌های‌مان ارائه کنیم با فرایند نظریه‌پردازی (یعنی نظریهٔ مبنایی) در ارتباط هستیم (۱۳۸۸: ۲۱). محمدی (۱۳۸۷) نظریهٔ مبنایی را نظریه‌پردازی برمبنای داده‌هایی می‌داند که محقق از میدان تحقیق جمع‌آوری کرده است. از نظر او این روش دارای منشأ و ریشه‌ای جامعه شناختی است. از نظر او گردآوری اطلاعات در این روش از طریق مصاحبه با ۲۰ الی ۳۰ نفر حاصل می‌شود (۱۳۸۷: ۲۵).

هدفِ نهایی روش گراندد تئوری ارائه و تدوین نظریه است. در این تحقیق محقق از شیوهٔ استقرا استفاده می‌کند یعنی از جزء به سوی کل می‌رود. محقق از سطح مشاهده و تجربه (سطح جزء) کار خود را شروع می‌کند و هدف او رسیدن به سطح انتزاع و نظریه (سطح کلان) است. او در اینجا کار خود را با نظریه شروع نمی‌کند بلکه با شروع از مشاهده به نظریه‌پردازی می‌رسد یا به تعبیر فلیک بر اساس داده‌های گردآوری شده به ساختن نظریه می‌پردازیم (۱۳۸۷: ۲۴).

استراوس وکربین معتقدند که مراحل مختلف در نظریهٔ مبنایی از جمله گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریهٔ نهایی با هم دیگرارتباط نزدیک دارند. در اینجا محقق از میدان واقعیت شروع می‌کند و داده‌هایی را در بارهٔ موضوع خود گردآوری می‌کند و سپس از طریق این داده‌ها نظریهٔ خود را عنوان می‌کند. محقق در ابتدا نظریه‌ای در ذهن ندارد و اگر هم داشته باشد کار تحقیقی خود را با آن شروع نمی‌کند. از نظر آن‌ها نظریهٔ مبنایی « نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند» (۱۳۹۱: ۳۴). آن‌ها برای این نوع نظریه‌پردازی ویژگی‌هایی در نظر می‌گیرند: الف) توانایی تشخیص گرایش به سوگیری در خود، ب) توانایی تفکر انتزاعی، ج) توانایی منعطف بودن و پذیرش انتقاد مفید، د) حساسیت نسبت به کلام و اعمال پاسخگویان، د) توانایی گام نهادن به عقب و موقعیت را به صورت انتقادی تحلیل کردن، ر) مجذوب کار شدن و خلاصه (همان: ۲۹). آن‌ها گراندد تئوری را «کشف نظریه از داده‌های سیستماتیک که از تحقیقات اجتماعی به دست‌آمده» می‌دانند (Glaser and Strauss1967: 2). شورینک معتقداست«تئوری زمینه‌ای یک رویکرد استقرایی خاص متشکل ازمجموعه‌ای نظام‌مند توسعه‌یافته از روش‌ها و تکنیک‌هایی است که مفهوم نظری در مورد جهان زندگی برخی از گروه انتخاب‌شده از مردم که بخشی از یک واقعیت اجتماعی خاص را تشکیل می‌دهند، تولید می‌کند» (Johann Burden and Gert Rodet به نقل از ۲، ۲۰۰۴، Schurink).

چارماز[1](۲۰۰۶) تعدادی از ویژگی‌های که همهٔ نظریه‌های زمینه‌ای دارند را شناسایی کرد:

- جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور همزمان
- ایجاد کدهای تحلیلی و موضوعی از داده‌ها و نه با مفاهیم از پیش موجود (حساسیت نظری)

1. Charmaz

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

- کشف فرآیندهای اساسی اجتماعی در داده‌ها
- ساخت و ساز قیاسی از مقولات انتزاعی
- نمونه‌گیری نظری برای اصلاح مجموعه‌ها
- نوشتن یادداشت تحلیلی به عنوان مرحله‌ای بین برنامه نویسی و نوشتن
- ادغام گروه‌ها به یک چارچوب نظری است.

ایمان و محمدیان (۱۳۸۷) کاربردهای متعددی را برای نظریهٔ زمینه‌ای در نظر می‌گیرد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- اگر هدف، درک محیطی باشد که شناخت کمتری از آن وجود دارد یا درگذشته، چندان به وضوح بررسی نشده است، فرد علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه، به شیوه‌های خاص تحقیقی برای مطالعهٔ آن موضوع نیاز دارد و استفاده از روش نظریهٔ بنیادی در این زمینه سودمند است.
- زمانی که محقق نمی‌داند دقیقاً، چه چیزی می‌خواهد یا در پی چیست، با استفاده از این روش می تواند به مسئلهٔ موجود در آن زمینه پی ببرد.
- اگر هدف از بررسی دست‌یابی به پیچیدگی‌های یک پدیده و درک آن، در زمینه‌های متعدد باشد، محقق به روشی از ساده کردن و مدیریت داده نیاز دارد، بدون آن که این پیچیدگی و زمینه دستکاری شود. استفاده از این روش در چنین مواردی مفید است.
- اگر هدف، در ک فرایند و شیوهٔ تجربهٔ افراد باشد و این که این افراد چگونه تجربه‌شان را تفسیر می‌کنند، محقق نیاز به شیوه‌هایی برای کشف و درک پیچیدگی آن‌ها دارد. روش‌های کیفی، به خصوص نظریه بنیادی در پی کشف این پیچیدگی‌ها هستند (۳۶-۳۷).

کراسول[1] (۱۹۹۸) پیشنهاد کرد که فرضیات زیر را باید در مورد پژوهش تئوری زمینه‌ای به اشتراک گذاشت:

هدف از انجام تحقیق تئوری زمینه‌ای تولید و یا کشف یک نظریه است؛ اگر پژوهشگر ایده‌های نظری را کنار بگذارد می‌تواند یک نظریه "اساسی" را به ظهور برساند؛ این نظریه بر چگونگی رابطه افراد با پدیدهٔ مورد مطالعه تمرکز دارد؛ تئوری رابطه محتمل بین مفاهیم و مجموعه‌ای از مقوله‌ها را تأیید می‌کند؛ این نظریه از طریق کار میدانی، مصاحبه، مشاهده، و اسناد به دست می‌آید؛ تجزیه و تحلیل داده‌های در آن سیستماتیک است و به زودی به عنوان داده‌های موجود تحلیل می‌شوند؛ تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله با شناسایی مقوله‌ها و ارتباط آن‌ها شروع می‌شود؛ جمع آوری اطلاعات بیشتر (و یا نمونه برداری) بر مبنای مفاهیم درحال ظهور است؛ این مفاهیم از طریق مقایسه مداوم با داده‌های اضافی توسعه می‌یابند؛ جمع آوری داده‌ها را هنگامی‌که مفهوم جدید پدیدار شود می‌توان متوقف کرد؛ تجزیه و تحلیل داده‌ها را از طریق "کدگذاری باز" (شناسایی دسته‌ها، خواص، و ابعاد) به کدگذاری "محوری" (بررسی شرایط،

1. Creswell

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

استراتژی، و عواقب) سپس به کدگذاری انتخابی اطراف یک خط داستان در حال ظهور حرکت می‌دهیم؛ و تئوری نهایی را می‌توان در یک چارچوب روایت و یا به عنوان مجموعه‌ای از گزاره‌ها گزارش داد (Egan, 2002,279).

۲-۳ جامعهٔ آماری[1]

جامعه به مجموعه‌ای از افراد یا واحدهایی که دارای حداقل یک ویژگی مشترک باشندگفته می‌شود. معمولاً در هر تحقیق، جامعه کلیه افراد یا مواردی را شامل می‌شود که پژوهشگر علاقه‌مند است و می‌خواهد نتایج تحقیق خود را به آن‌ها تعمیم دهد. در این تحقیق، جامعهٔ آماری شامل تمام اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی که در دانشگاهای دولتی استان تهران مشغول به کار هستند، می‌باشد که با استفاده از روش گلوله برفی از تعدادی از آن‌ها مصاحبه به عمل آمد. در زیرگروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران آورده شده است. اعضای هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برابر با ۵۳ نفر، اعضای هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برابر با ۴۳ نفر، اعضای هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا برابربا ۱۳ نفر، اعضای هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی برابر با ۱۳ نفر، اعضای هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بهشتی برابر با ۸ نفر، اعضای هیأت علمی گروه علوم‌اجتماعی دانشگاه امام حسین(ع) برابر با ۸ نفر، اعضای هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد برابر با ۴ نفر، اعضای هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس برابر با ۴ نفر. ازکل ۱۴۶ نفر عضو هیأت علمی۳۴ نفر از آن‌ها زن و ۱۱۲ نفر مرد می‌باشد.

۳-۳ نمونهٔ تحقیق[2]

تعداد افرادی مشخص که با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری از جامعهٔ آماری انتخاب می‌شوند تا در مورد موضوع مورد بررسی از آن‌ها تحقیق و ارزیابی به عمل بیاید. در تحقیقاتی که دارای نمونهٔ تحقیق هستند هدف پژوهشگر از بررسی نمونه تعیمیم نتایج به دست‌آمده به جامعهٔ آماری تحقیق است. در این تحقیق نمونهٔ آن تعدادی از اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران است که به طور تصادفی جهت مصاحبه انتخاب می‌شوند.

۱-۳-۳ شیوه نمونه‌گیری[3]در روش گراندد تئوری

در این تحقیق شیوهٔ نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری نظری[4]یا « اشباع نظری»[5]است. در این روش برخلاف دیگر روش‌های نمونه‌گیری از جمله روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، خوشه‌ای، تصادفی. . . که داده از

1. Statistical society 2. Research sample 3. sampling method

4. Theoretical sampling 5. Theoretical saturation

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

قبل گردآوری می‌شوند، گردآوری داده‌ها طی فرایند تحقیق انجام می‌گیرد. بلیکی معتقد است در این روش« موارد تا جایی افزوده می‌شوند که دیگر بینش و بصیرتی افزوده نگردد؛ تا وقتی که پژوهشگر متوجه شود که دیگر چیز تازه‌ای کشف نمی‌شود» (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۶۸). نمونه‌گیری نظری یا اشباع[1] بیشتر در پژوهش‌های داده‌نگر انجام می‌گیرد. استراوس و گلیزر نمونه‌گیری نظری را این گونه تعریف کرده‌اند:

نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیل‌گر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد گردآوری و آن‌ها را کجا پیدا کند، تا بدین وسیله نظریه اش را در حین شکل‌گیری تدوین کند. نظریهٔ درحال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (استراوس و گلیزر، ۱۹۶۷، به نقل از فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

استراوس و کربین نمونه‌گیری نظری را نوعی از شیوه‌های گردآوری داده‌ها می‌دانند که پژوهش‌گر آن را بر اساس « مفاهیم درحال تکوین» انجام می‌دهد. آن‌ها معتقدند در این نوع نمونه‌گیری که به روش انباشتی[2] انجام می‌گیرد، پژوهشگر شیوهٔ نمونه‌گیری خود را پیش از پژوهش مشخص نمی‌کند بلکه در فرایند پژوهش به آن شکل می‌دهد. به اعتقاد آن‌ها « هدف از نمونه‌گیری نظری به حد اکثر رساندن امکان مقایسهٔ رویدادها و موردهاست تا تعیین کنیم چگونه یک مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادش تغییر می‌کند»(۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۱۹).

در این نظریه نمونه‌ها (افراد، گروه‌ها، سازمآن‌ها، . . .) گام‌به‌گام براساس میزان نیاز برای نظریهٔ درحال شکل گیری جمع آوری می‌شوند. یعنی اطلاعاتی مورد قبول واقع می‌شوند که محقق تشخیص دهد در فرایند پژوهش به او کمک می‌کنند. در اینجا نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که پژوهش‌گر به این نتیجه برسد که با گردآوری اطلاعات تازه چیز جدیدی به دست نمی‌آورد. استراوس و کربین معتقدند فرایند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کنند که « الف: هیچ دادهٔ جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نیاید؛ ب) مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های آن را به نمایش بگذارد؛ و ج) مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و اعتبارشان ثابت شده باشد»(همان، ۲۳۰). روش نمونه‌گیری نظری بیشتر در تحقیقاتی که به روش گردد تئوری انجام می‌شوند به کار برده می‌شود. در نتیجه در این تحقیق که به روش گرندد تئوری انجام گرفت از روش نمونه‌گیری نظری برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است.

---

۱. این نوع نمونه‌گیری توسط استراوس و گلیزر ارائه شد .

2. Cumulative.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

۲-۳-۳ نمونه‌گیری: شیوهٔ انتخاب اطاع رسانه‌ها (مصاحبه‌شوندگان) در این پژوهش

در این تحقیق از دو نوع روش نمونه‌گیری استفاده کردیم یک شیوهٔ نمونه‌گیری اشباع نظری و دیگری روش گلوله برفی است. روش نمونه‌گیری گلوله برفی جهت انتخاب مصاحبه‌شوندگان به کارگرفته شد و روش اشباع نظری برای تعیین حجم، کمیت و کیفیت داده‌های پژوهش به کار رفت. در زمینهٔ استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی که یکی دیگر از روش‌های تحقیق‌های کیفی است باید اشاره کنیم که با هرکدام از اساتید که مصاحبه می‌کردیم از آن‌ها سؤال می‌پرسیدیم که از نظرشان چه کسانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی می‌توانند به ما کمک کنند. در نتیجه از این طریق ما توانستیم برای افزودن بر غنا و اعتبار داده‌های تحقیق، از آن افرادی که از نظر مصاحبه‌شونده‌ها دارای تخصص و توانایی علمی‌هستند، مصاحبه به عمل بیاوریم. در روش اشباع نظری طی فرایند تحلیل داده‌ها وقتی اطلاعات به حد کافی رسیده‌اند و به این نتیجه می‌رسیدیم که دیگر چیز مفیدی به داده‌ها اضاف نمی‌شود از پرسیدن بعضی سؤال‌ها در مصاحبه‌های بعدی خودداری کردیم.

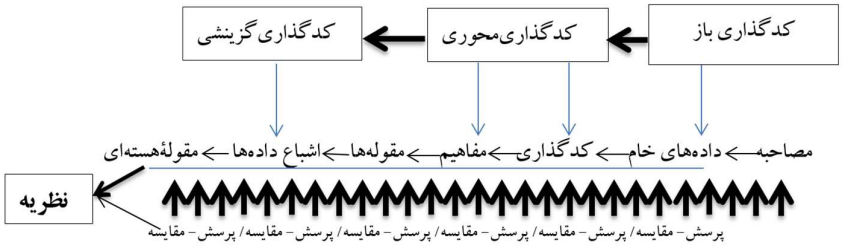
در هر روش تحقیقی که با مصاحبه و پرسشنامه سر وکار دارد جهت گردآوری داده‌ها اولین کار انتخاب کسانی که می‌خواهد با آن‌ها مصاحبه کند یا پرسش‌نامه به دست آن‌ها برساند. در اینجا اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران اطلاع‌رسان‌ها یا مشارکت‌کنندگان بودند. لازم به ذکر است که در تئوری زمینه‌ای به کسانی که قرار است از آن‌ها اطلاعات به دست آورده شود «اطلاع‌رسان» یا «مشارکت کنندهٔ» می‌گویند (شهبازی: ۱۳۸۸: ۱۷). در ابتدا بعد ازتوضیح اجمالی دربارهٔ موضوع و هدف تحقیق برای اطلاع رسان‌ها برای شروع مصاحبه از یک سؤال نسبتاً باز آغازکردیم و در ادامه کم کم به سؤال‌های خرد رفتیم. در ابتدا چک لیست سؤال‌ها را آماده کردیم و بعد از پرسیدن پرسش از اطلاع رسان‌ها تلاش می‌کردیم که اگر توضیحات آن‌ها کافی نمی‌بود و اطلاعات لازم را دست نمی‌رسید به شیوهٔ دیگر سؤال را مطرح می‌کردیم. در بعضی مواقع توضیحات اطلاع‌رسان‌ها زمینه را برای سؤال‌کردن از صحبت‌های آن‌ها مهیا کرد.

گام بعدی این است که در نظر بگیریم از چه تکنینک‌هایی استفاده بکنیم. تکنیک مورد استفاده در اینجا مصاحبه است. در روش گراندد تئوری برای انتخاب اطلاع‌رسان‌ها می‌توان از روش نمونه‌گیری عمدی و انتخابی استفاده کرد. یعنی مصاحبه کنندهٔ می‌تواند به دلخواه خود از بین جامعهٔ آماری گزینه‌های مورد نظرش را که احساس می‌کند در جمع آوری اطلاعات به او کمک می‌کنند، را انتخاب کند. بر همین اساس در ابتدا اسامی تمام اطلاع‌رسان‌ها را بیرون کشیدیم سپس از بین آن‌ها کسانی را که در زمینهٔ توسعه تخصص داشته‌اند و یا در دانشگاه به تدریس در رشته‌های تخصصی توسعه مشغول بوده‌اند، انتخاب کردیم. یعنی در ابتدا اسامی‌تمام اعضای هیأت علمی‌گروه‌های علوم اجتماعی را لیست کردیم سپس با توجه به رشته‌های تدریس آن‌ها و یا تخصصی که دارند از بین آن‌ها گزینش کردیم. در بعضی دانشگاه‌ها هم که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

رشته و گرایش توسعه را نداشته‌اند ولی درس توسعه در آنجا تدریس می‌شد سعی کردیم با استاد مربوطه مصاحبه ترتیب دهیم. به طورکلی فرایند انجام کار از شروع تا پایان به صورت نمودار زیر انجام داده شد:

نمودار شمارهٔ ۳-۱ فرایند تدوین نظریه



۳-٤ تکنیک جمع‌آوری داده‌ها[1]

در روش نظریهٔ بنیادی منابع جمع‌آوری اطلاعات را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ منابع اولیه و منابع ثانویه. منابع اولیه شامل مصاحبه، مشاهدهٔ مشارکتی و غیر مشارکتی، ثبت مصاحبه‌ها از زمینهٔ مورد مطالعه و دفترچهٔ خاطرات است، منابع ثانویه تجارب شخصی، ادبیات موجود و مقایسهٔ آن‌ها را در بر می‌گیرد (استراوس و کربین، ۱۹۹۰، به نقل از ایمان و محمدیان). برای این که گردآوری داده‌ها را در روش اشباع نظری هدایت و هدفمند کنیم نیازمند پرسش‌های تحلیلی و انجام مقایسه هستیم (استراوس وکربین، ۱۳۹۰: ۲۲۱). در بحث گردآوری داده‌ها باید به چهار ملاک توجه داشت: الف) انتخاب مکان یا گروهٔ مورد مطالعه. ب) باید تعیین کنیم از چه نوع داده‌های می‌خواهیم استفاده بکنیم (مصاحبه، مشاهده، سرگذشت‌ها، . . .). ج) یک عرصه برای چه مدت باید تحت مطالعه باشد. د) اینکه چه تعداد مصاحبه یا مشاهده داشته باشیم یا چند مکان را مورد بررسی قرار دهیم بستگی به وجود امکانات، دسترشی به مشارکت کنندگان، اهداف پژوهش، زمان‌بندی و انرژی پژوهشگر دارد (همان: ۲۲۳).

۳-٤-۱ تکنیک گردآوری داده‌ها در این پژوهش

در این پژوهش از تکنیک مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. دلیل انتخاب این تکنیک این است که در تحقیقاتی‌که به روش‌کیفی انجام می‌شوند تکنیک مصاحبه ژرف می‌تواند اطلاعات بیشتر، بهتر و مناسب‌تری به دست دهد. امروزه عده‌ای از پژوهشگران مصاحبه را به عنوان روش اصلی گردآوری اطلاعات می‌دانند زیرا تنها با مصاحبه می‌توان به لایه‌های درونی یک پدیدهٔ اجتماعی دست یافت (شهبازی: ۱۳۸۸: ۱۲۴). روش جمع آوری داده‌ها از طریق مصاحبه پیچیدگی‌های خاص خود را دارد.

1. Technique data gathering

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

علاوه بر این اگر کسانی که قرار است به آن‌ها مصاحبه بکنیم متخصصان باشند پیچیدگی و سنگینی کار دوچندان افزایش می‌یابد. فلیک بر این باور است که در آن دسته از مصاحبه‌هایی که با متخصصان ارائه داده می‌شود مصاحبه‌شونده‌ها نه به عنوان یک شخص بلکه به عنوان صاحب تخصص و نمایندهٔ یک گروه در یک حوزهٔ خاص به حساب می‌آیند. او همچنین دربارهٔ دامنهٔ اطلاعات به دست آمده در مصاحبه با متخصصان معتقد است که دامنهٔ اطلاعاتی آن‌ها محدودتر است (۱۳۹۰: ۱۸۳) زیرا این اطلاعات پراکنده نیستند و متخصص در حوزهٔ تخصص خود به ارائهٔ اطلاعات می‌پردازد. فلیک به سه نکته دربارهٔ مصاحبه با متخصصان اشاره دارد: مورد اول، مشکل هدایت کردن مصاحبه توسط مصاحبه‌گر است زیرا فرد مصاحبه‌شونده صاحب تخصص هست. دوم، مصاحبه‌گر باید نشان دهد که به موضوع مصاحبه آشنایی نسبی دارد. سوم، هدف این نوع مصاحبه مقایسه دانش متخصصان و تحلیل محتوای است (همان: ۱۸۴). ازآن جایی‌که‌گفتیم اساتید اطلاع رسان‌های ما بودند هماهنگ کردن مصاحبه‌ها، زمان انجام مصاحبه وگرفتن توافق جهت مصاحبه کاری بسیار سخت بود. زمان و رضایت انجام مصاحبه‌های این پروژه یا از طریق ایمیل (یک مورد)، یا تلفن (دو مورد) یا هم از طریق حضور در دفتر اساتید (۱۷ مورد) صورت گرفت. زمان مصاحبه از ۲۴ دقیقه تا۱:۳۰دقیقه به طول انجامید. در اینجا لازم است بگوییم دکتر راغفر استاد گروه علوم اقتصادی دانشگاه الزهرا هستند اما از ایشان مصاحبه به عمل آمده است. از آن جایی که روش انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها گلوله برفی بوده، وقتی از اطلاع رسان‌ها می‌خواستیم مشارکت کنندهٔ بعدی را معرفی‌کنند اکثر آن‌ها ازآقای دکتر راغفر به عنوان‌گزینهٔ بعد حرف می‌زدند چون آن‌ها راغفر را استادی با تخصص توسعه در ایران می‌شناختند. در نتیجه استثنائاً با ایشان هم مصاحبه ترتیب دادیم.

۵-۳ اعتبار[1]

منظور از اعتبار آن است که آیا در طی فرایند تحقیق از مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها تا ارزیابی، تحلیل و نتیجه‌گیری همان کاری را که واقعاً دنبال آن هستیم را انجام می‌دهیم یا نه؟ پس اعتبار ترازوی سنجش دقت پروژه به حساب می‌آید. به عباراتی «آیا محققان همان چیزی را می‌بینند که تصور می‌کنند که می‌بینند یا خیر» (فلیک : ۱۳۹۰: ۴۱۴). در گراندد تئوری اعتبار به این معناست که آیا نظریه‌ای که محقق از داده‌های بیرون آورده است از داده‌های خودمان استخراج شده است یا اینکه ما طی تحلیل خود نتایج را به داده‌ها تحمیل کردیم. فرایند اعتبار درتحقیق کیفی را استراوس و کربین به این گونه شرح می‌دهند که نظریه‌ای که ما از داده‌ها بیرون کشیدیم « چیزی جز صورت انتزاعی داده‌های خام نیست. از این رو بسیار اهمیت دارد تعیین کنیم که این صورت انتزاعی تا چه حد با داده‌های خام جور در می‌آید؛ و نیز تعیین‌کنیم که آیاچیزی قابل توجهی بوده‌که در نظریه نیامده‌باشد؟» (۱۳۹: ۱۸۰).

---

1. Validity.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

در این تحقیق ما از دو نوع اعتبار درونی[1] و اعتبار بیرونی[2] جهت بالا بردن میزان دقت و اعتبار آن استفاده کردیم. اعتبار درونی در این پروژه به این سبک بود که آیا سؤال‌ها و پرسش‌های ما همان مفهوم توسعهٔ اجتماعی را که ما دنبال آن بودیم می‌سنجیدند یا خیر. آیا یافته‌های تحقیق شارح نظریه تولید شده و ایدهٔ مصاحبه‌شوندگان دربارهٔ موضوع تحقیق و واقعیت‌های موجود دربارهٔ توسعهٔ اجتماعی هست یا نه. اعتبار بیرونی در اینجا به این شیوه آزمون شد که ما سعی کردیم از طریق بررسی مهمترین گفتمان‌های توسعهٔ اجتماعی که در این باره مطرح شده‌اند به موضوع تحقیق اعتبار بالایی ببخشیم. هم چنین ما برای این هدف به بررسی پیشینهٔ عملی توسعهٔ اجتماعی پرداختیم. بر همین اساس به بعضی از پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی که در زمینه توسعهٔ اجتماعی و شاخص های آن نوشته شده‌اند، رجوع کردیم.

بحث و نتیجه گیری

برای پدیدهٔ «توسعهٔ اجتماعی» مفاهیم مداخله‌گر زیرتأثیرگذار هستند. اولین عامل مداخله‌گر «تعامل با خارج» است یعنی مبادلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، صنعتی و علمی‌با دیگر کشورها. این مفهوم به حالتی اطلاق می‌شود که در آن جامعه بتواند در قالب تعامل و احترام متقابل با دولت‌ها و فرهنگ‌های غیرخودی ارتباط برقرار کند. این ارتباط باید به نحوی انجام گیرد که موجب ارتقاء و افزایش ظرفیت‌ها و توانایی‌های کشور شود. این عامل باعث می‌شود ضمن از بین بردن تنش‌های احتمالی، ارتقاء فرهنگی و خودباوری را درکشورترفیع دهد. هر چقدر ما بتوانیم در توسعه وتوسعهٔ اجتماعی تعامل با دیگرکشورها را بهبود ببخشیم و در یک رابطهٔ دوطرفه آگاهانه قرار بگیریم شرایط توسعهٔ اجتماعی درکشور بهتر می‌شود زیرا موجب افزایش ارتباطات و تعاملات در سطح جهانی و ارتقائ آگاهی اجتماعی می‌شود. این عامل باعث‌می‌شود از فرایند درخودماندگی فرهنگی رهایی یابیم. جمشیدی‌ها[3] معتقد است « اصل بر تعامل است نباید درها را بر روی خودمان ببندیم و خودمان را خفه کنیم. این یعنی از بین بردن خودمان. اصل تعامل است چون دوطرفه هست و برابری را می‌رساند. اما رابطه نباید طوری باشد که موجب سلطهٔ خارج بر کشورمان شود».

عامل مداخله‌گر دوم «موضوع رسانه‌های‌خصوصی» است. رسانه‌های خصوصی می‌توانند در نهادینه و جامعه پذیر کردن ارزش‌ها و فرهنگ جامعه تأثیرگذار باشند. لازمهٔ جامعهٔ مدنی حضور رسانه‌های عمومی و خصوصی است. رسانه‌های خصوصی می‌توانند جهت جذب افراد و گروه‌های محروم و طرد شده در جامعه به عنوان عاملی بسیار مهم وجود داشته باشند. آن‌ها می‌توانند مشارکت اجتماعی و امید اجتماعی را افزایش دهند. رسانه‌های خصوصی می‌توانند پل ارتباطی بین مردم و دولت‌ها باشند. گروه‌های مختلف جامعه از طریق رسانه‌های خصوصی می‌توانند خواسته‌ها، نیازها و تمایلات خود را داشته باشند. همچنین

1. Internal validity.
2. External validity.
۳. آقای دکتر غلامرضا غفاری عضو هیأت علمی گروه تعاون دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

آن‌ها می‌توانند عاملی درگسترش آزادی‌های مدنی، شکوفایی استعدادها و توانایی‌ها، توزیع قدرت، منابع وامکانات، تحقق دموکراسی و جامعهٔ مدنی و رشد و توسعه محلی باشند. رسانه‌های خصوصی می‌توانند از طریق رقابت رسانه‌ها اخبار و اطلاعات درست و معتبر را گسترش دهند. اگر در جامعه رسانه‌های خصوصی افزایش پیدا کنند. زمینه برای مشارکت اجتماعی و به تبعه آن توسعهٔ اجتماعی مهیا می‌شود.

«توسعهٔ پلکانی» عامل مداخله‌گر دیگری هست که بر مقولهٔ مرکزی ما یعنی « توسعهٔ اجتماعی» تأثیر گذار هست. این مفهوم حاکی از این است که در فرایند توسعهٔ اجتماعی باید مرحله به مرحله و آهسته پیش برویم. از آن جایی که شروع توسعهٔ اجتماعی در همهٔ زمینه‌ها کاری بسیار سخت، طاقت فرسا، پرهزینه و زمان بر است بهتر است از توسعهٔ پلکانی استفاده کنیم. ابتدا در زمینه‌ها و بسترهای مختلف باید نیازهای اولیه را جهت توسعه شناسایی کنیم. سپس در مراحل بعد سراغ مرحله‌های کلان و بزرگتر توسعهٔ اجتماعی برویم. با استفاده از این عامل ضمن این که از هزینه سرسام‌آور در بخش‌های مختلف و بدون برنامه‌ریزی جلوگیری کنیم می‌توانیم کاستی‌ها و مسائل سر راه آینده توسعه را ببینیم تا از این طریق بتوانیم چشم‌انداز بهتری برای آینده ترسیم کنیم. توسعهٔ پلکانی می‌تواند عاملی مهم در رشد و توسعهٔ متوازن هم باشد. شجاعی زند اعتقاد دارد که توسعه باید اولاً همه جانبه باشد؛ ثانیاً باید پلکانی باشد. و در همهٔ بخش‌ها به نحو متوازن پیش رود. زیرا رشد نامتوازن باعث نابسامانی و آسیب می‌شود. توسعه واجد مسیری یک طرفه و بدون بازگشت است. مثلاً نمی‌توان پس از یک دوره رشد اقتصادی بی‌محابا، برگشت و سیاست‌های توزیعی را در پیش گرفت».

چهارمین عامل مداخله گر عامل « دولت کوچک و هوشمند» است. این مفهوم به دولتی اطلاق می‌شود که خودش بخشی از اختیارات و وظایف‌ش را به بخش‌های خصوصی و نهادهای مدنی واگذار کند. با این وجود در جامعهٔ ما دولت بزرگ‌ترین و مهمترین مجری در تمام زمینه‌ها است. این ازجمله مهمترین موانع توسعهٔ اجتماعی است. دولت می‌تواند از طریق کوچک کردن خود و گسترش بخش خصوصی و جامعهٔ مدنی از حجم عظیم مشاغل و مسائل خود بکاهد تا از طریق کوچک کردن خود ضمن بالا بردن مشارکت اجتماعی و آوردن افراد، گروه‌ها و کنشگران مختلف به صحنه‌های اجتماعی رضایت مندی اجتماعی را بالا ببرد. متأسفانه در جامعهٔ ما نه حتی اقدامی‌انجام نمی‌گیرد بلکه نهادهای مدنی و خصوصی زیر چتر دولت هستند. در چنین جامعه با این وضع نباید منتظر توسعهٔ اجتماعی واقعی بود علی رغم این که شاید در ظاهر بتوانیم در زمینه‌هایی رشد داشته باشیم. دولت باید بتواند در سطح کلان جامعه ایجاد امینت و قانون گذاری کند. دولت نباید آن قدر بزرگ باشد که اگر مردم در هر زمینه‌ای بخواهند اقدام کنند دولت در مقابل آن‌ها باشد. اگر این جور باشد مردم تمام بدی‌ها و خوب‌ها را به دولت نسبت می‌دهند. دولت کوچک باعث می‌شود مردم فکر کنند، مسئولیت‌پذیری کنند، در تصمیم‌گیری‌ها دقت بیشتری به خرج دهند، درصدد رفع نیازهای خود برآیند و مردم خلاق و مستقل باشند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

آخرین عاملی که در بحث «توسعهٔ اجتماعی» نقش مداخله‌گر دارد مفهوم «عزم ملی» است. این مفهوم به حالتی از توسعهٔ اجتماعی اشاره دارد که پیچیدگی، چندبعدی بودن و گسترده بودن آن را مطرح می‌کند. از آن جایی‌که توسعهٔ اجتماعی با اخلاقیات، رفتارها و افکارآدمی در ارتباط است به تنهایی نه از طریق دولت می‌تواند انجام گیرد، نه بوسیله مردم و نه از طریق نهادهای مدنی حتی اگر نهادهای مدنی قوی‌ای داشته باشیم. توسعهٔ اجتماعی نیازمند هم افزایی و هم‌کناری آگاهانه تمام اجزاء و عناصر اجتماعی از روی میل و اشتیاق با تکیه بر ارزش‌ها و اخلاقیات مشترک جهت نیل به اهداف والای ملی است. عزم ملی یعنی این‌که تمام کنشگران اجتماعی به اندازهٔ توانایی‌ها و استعدادهای خود جهت سربلندی کشور تلاش کنند؛ رسانه‌ها، اقوام و اقلیت‌ها، جوانان، زنان، سیاستمداران، روستاها و شهرها، دانشجویان و دانش آموزان. . . همه و همه باید تلاش خود را به کار بیندازند. این عاملی است که باعث می‌شود که ما بتوانیم سریع تر به توسعه برسیم. بدون این عامل توسعهٔ اجتماعی کاری بسیار سخت و طاقت فرسا است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

فهرست منابع و مآخذ

ـ سیف اللهی، سیف اله، حافظ امینی، حمیرا(۱۳۸۸). برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی و تاثیرآن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران. پژوهش نامه علوم اجتماعی، شمارهٔ ۲. (۱۰۳-۶۹)۳۵

ـ شارقی تفتی، آفاق(۱۳۸۰). جامعهٔ سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر. مجلهٔ علون انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامهٔ اقتصاد و مدیریت.

ـ شریعت، فرشاد(۱۳۸۵). فلسفه سیست، بورژوازی و غایات نظام سرمایه‌داری « ازنگاه روسو ومارکس». دو فصل نامه دانش سیاسی. شمارهٔ چهار. (۱۶۴-۱۴۱)۲۴.

ـ شیخی، محمدتقی(۱۳۸۵). جامعه شناسی توسعه. تهران: نشرحریر. چاپ اول

ـ شهبازی، مهدی(۱۳۸۸). مطالعه جامعه شناختی نقش سرمایهٔ اجتماعی شورایاری محله ها در توسعه محلی شهر تهران ، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد

ـ ضرابی، اصغر. شاهی‌وندی، احمد(۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعهٔ اقتصادی در استان‌های ایران. مجلهٔ جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره پیاپی ۳۸، شماره ۲، (۳۲-۱۷)۱۶

ـ داگرتی، جیمز، پفالتزگراف، رابرت. نظریه‌های اقتصادی دربارهٔ امپریالیسم وجنگ. مترجم؛ وحید بزرگی(۱۳۶۹). سیاسی-اقتصادی. شماره ۳۶. (۳۴-۲۷)۸

ـ دعائی، حبیب الله(۱۳۸۵). مدیریت توسعه. مشهد: انتشارات بیان هدایت نور. چاپ اول

ـ دواس، دی. ای. پیمایش درتحقیقات اجتماعی. مترجم؛ هوشنگ نایبی(۱۳۸۸). تهران: نشرنی. چاپ ۱۱.

ـ رکن الدین افتخاری عبدالرضا، عارف نیا خجسته، سجاسی قیداری حمدالله، فیروزنیا قدیر، صادقلو طاهره، دیانی لیلا، فتاحی احدالله(۱۳۸۹). راهبردهای توسعهٔ آموزش توسعهٔ پایدار در ایران. جغرافیا (فصلنامهٔ علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران). شمارهٔ ۲۵. (۶۶-۴۷)۲۰

ـ رواسانی، شاپور(۱۳۸۳). کار و ارزش؛ اشاره‌ای به آرای ابن خلدون، آدام اسمیت و کارل مارکس. ماه نامهٔ کار و جامعه. شمارهٔ ۵۷. (۲۹-۲۶)۴

ـ ریتزر، جورج. نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر. مترجم؛ ثلاثی محسن (۱۳۸۶). تهران: انتشارات علمی. چاپ دوازدهم

ـ ریتزر، جورج. مبانی نظریه جامعه شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. مترجم؛ شهناز مسمی‌پرست (۱۳۸۹). نشر ثالث. چاپ اول

ـ رنجبر هادی، حق‌دوست علی اکبر، صلصالی مهوش، خوشدل علیرضا، سلیمانی محمد علی، بهرامی نسیم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی: راهنمایی برای شروع. مجلهٔ علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران. شمارهٔ ۳، (۲۳۸-۲۵۰)۱۲.

ـ زاهدی، محمدجواد(۱۳۹۰). توسعه و نابرابری. تهران: انتشارات مازیار. چاپ ششم

ـ زاهدی، شمس السادات(۱۳۸۶) توسعهٔ پایدار. چاپ اول. انتشارات سمت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]

ـ فاطمی امین، زینب (۱۳۸۷)؛ بررسی تطبیقی سطح توسعهٔ با بازدهی نظام آموزشی؛ پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد ؛ دانشگاه شهید بهشتی؛

ـ فرانک اندره گوندر(۱۹۷۱)، توسعه و توسعه نیافتگی در برزیل، ترجمه: سهراب بهداد(۱۳۵۹)،

ـ فرهنگ، منوچهر(۱۳۷۴). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: نشر البرز

ـ فلیک، اووه. درآمدی برتحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی(۱۳۹۰). تهران: نشر نی. چاپ سوم.

ـ فیروزآبادی احمد، ایمانی جاجرمی‌حسین(۱۳۸۵). سرمایهٔ اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی در کلان شهر تهران. فصل نامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شمارهٔ ۲۳، (۱۹۷-۲۲۴)۲۸

ـ گریفین، کیث؛ مک کنلی، تری. تحقق استراتژی توسعهٔ انسانی. مترجم؛ غلام رضا خواجه پور تادوانی (۱۳۷۵). چاپ اول. موسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

ـ گیل، تی. ریچارد. توسعهٔ اقتصادی: گذشته و حال. مترجم؛ محمود نبی‌زاده(۱۳۶۶). چاپ اول. تهران. چاپ گوته.

ـ جباری، حمید. توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی: دو روی یک سکه؟. فصل نامهٔ رفاه اجتماعی. ویژه نامهٔ سیاست اجتماعی. (۸۰-۵۵)۲۶

ـ چیلکوت، نظریه‌های توسعه وتوسعه نیافتگی؛ درآمدی برمسائل اقتصادی کشورهای جهان سوم. ترجمه و تلخیص؛ ساعی، احمد (۱۳۷۵). چاپ اول. نشر علوم نوین.

ـ خودکار، امیرخسرو(۱۳۷۳)، بررسی توسعهٔ اجتماعی در شهرهای جدید (نمونه موردی شهر جدید شاهین شهر) ؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد : دانشگاه شهید بهشتی؛

ـ لطیفی، محمدرضا. و داودوندی، طاهره. تأثیرجهانی شدن بر توسعهٔ اجتماعی با تاکید بر شرایط ایران. فصل نامهٔ برنامه ریزی رفا و توسعهٔ اجتماعی(۳). ، (۱۷۹-۲۰۲) ۲۴

ـ عزیزی، زهرا (۱۳۸۶)؛ مقایسهٔ اثر تجارت به سه شاخص توسعه (درآمد سرانه، شاخص توسعهٔ انسانی و شاخص پیشرفت انسانی) ؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

ـ کوزر، لوئیس. . زندگی واندیشه بزرگان جامعه شناسی. مترجم: محسن ثلاثی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات علمی. چاپ سیزدهم

ـ عنبری، موسی (۱۳۹۰). جامعه شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ. چاپ اول. تهران. نشر سمت.

ـ محمدی، بیوک. (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ اول

ـ محمدیان مهرداد(۱۳۸۴). نگرش سنجی شهروندان تبریزی نسبت به توسعهٔ اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد خلخال. شمارهٔ ۵

ـ موسایی، میثم. ۱۳۸۸. رابطه توسعهٔ اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی. رابرد یاس شمارهٔ ۲۰. (۱۱۷-۹۶)۲۲

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-05]